

# کلاس درس

## کشوری در کلاس



حسن رضا ترابی  
آموزگار دبستان، بیرجند

و ایجاد انگیزه‌ی عالی، به تدریس درس افغانستان پرداختم. هنگام تدریس، از یازل، فیلم، کره، نقشه و تصاویر هم بهره بردم و با لهجه‌ی افغانی برای بچه‌ها صحبت کردم. سپس جدولی را که از قبل طراحی کرده بودم و در آن، اطلاعاتی درباره‌ی افغانستان از دانش‌آموزان گرفته بودم، در اختیار آن‌ها قرار دادم تا کامل کنند. هم‌چنین، صنایع دستی افغانستان را به بچه‌ها نشان دادم تا با صنایع دستی این کشور به خوبی آشنا شوند.

بعد از آن، از یک گروه خواستم برای جلسه‌ی بعد، درباره‌ی اتفاقات اخیر افغانستان تحقیق کنند. به گروه دیگر هم گفتم، با یک افغان مصاحبه‌ای انجام دهند و نتیجه را به کلاس بیاورند و برای هم‌کلاسی‌هایشان گزارش دهند. از گروه سوم خواستم نقشه‌ی کشور افغانستان را ترسیم کنند و به کلاس بیاورند تا روی تخته‌ی کلاس نصب کنیم. از گروه آخر هم خواستم مطالب درس را در جدول بزرگی خلاصه کنند.

در پایان، خاطراتی را که از مدرسه‌ی افغان‌ها داشتیم، تعریف کردم و از بچه‌ها خواستم، برای سلامتی کودکان افغان و نجات کامل کشورشان از چنگ بیگانگان دعا کنند. با ختم صلوات، کلاس پایان یافت. سپس در قسمت تعیین تکلیف از بچه‌ها خواستم بنابر میل و علاقه‌ی خودشان در گروهی که دوست دارند، قرار بگیرند و تکلیف مورد نظرشان را براساس علاقه و توانایی خود، انجام دهند. از آن به بعد، شاگردانم با دیدن من می‌گفتند: آقا، هیچ وقت کشوری را که به کلاس آوردید، از یادمان نمی‌رود.

زیرنویس

\* اردوگاه افغانه: نام روستایی بود از توابع شهرستان سربیشه در مرز افغانستان که افغان‌ها موقتاً در آن‌جا ساکن بودند و بعدها به کشورشان برگشتند.

سال‌های اولیه‌ی خدمتم که در اردوگاه افغانه\* به تدریس دانش‌آموزان افغان اشتغال داشتم، به این فکر می‌کردم که چگونه روش‌های نوین تدریس را که در دوران تربیت معلم خوانده‌ام، در کلاس‌های درس به‌طور عملی اجرا کنم. در طول هفته‌ها و ماه‌های آن سال‌های تحصیلی، با لهجه، زبان، آداب و رسوم مردم افغان آشنا شدم و تجربیاتی را کسب کردم. در سال گذشته، وقتی می‌خواستیم درس افغانستان از کتاب جغرافی پنجم را تدریس کنم، فرصت خوبی برایم پیش آمد تا بتوانم یکی از الگوهای نوین تدریس را در کلاس به اجرا در بیاورم.

هنگام ورود به کلاس، لباس افغانی پوشیدم، پرچم افغانستان را به دستم گرفتم و همراه خود چند نمونه از دست ساخته‌های دانش‌آموزانم را که از آن سال‌ها نکه داشته بودم، به کلاس بردم. لازم به ذکر است که قبلاً تصاویری از مردم و شهرهای این کشور را به دیوار کلاس نصب کرده بودم. هم‌زمان با ورودم، نوار سروده‌های افغانی را هم پخش کردم. دانش‌آموزان که غافلگیر شده بودند، مرتب کف می‌زدند، شادی می‌کردند و سرود را با نوار هم‌خوانی می‌کردند. شور و شغف در آن‌ها نمایان بود. بعد از آرام شدن کلاس



پرونده

آموزش ابتدایی  
شماره ۳  
دوره ۱۲  
آذر ۸۸

۱۹